

## بررسی قراردادهای مدیریت هیدروکربن تولیدی

فریده شعبانی جهرمی\*

استادیار گروه حقوق انرژی و تجارت بین‌الملل دانشکده حقوق دانشکدگان فارابی  
دانشگاه تهران

فرید شعبانی جهرمی

دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز دانشکده حقوق دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران

### چکیده

سرمایه‌گذاران تحت نظام‌های امتیازی و برخی قراردادهای بالادستی اصلی، از جمله مشارکت در تولید، مستحق دریافت هیدروکربن تولیدی از میدان موضوع عملیات بالادستی نفت و گاز می‌شوند. با توجه به حجم بالای سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای اکتشاف و توسعه میدانی نفتی، اصولاً سرمایه‌گذاران به صورت مشارکتی اقدام به اجرای عملیات می‌کنند که این امر سبب انعقاد قرارداد اصلی میان دولت میزبان با کنسرسیوم و نیز عقد موافقت‌نامه عملیات مشترک میان اعضای مشارکت می‌شود که این امر بر پیچیدگی‌های عملیاتی این صنعت افزوده و مسائل حقوقی مهمی را ایجاد می‌کند. با توجه به سهم هر یک از اعضا و استحقاق آن‌ها به هیدروکربن تولیدی، مقرره‌های لازم و قراردادهای مدیریت هیدروکربن باید برای اختصاص نفت و گاز تولیدی و ایجاد تعادل در حجم برداشت‌شده تنظیم و مورد توافق طرفین قرار گیرد. اگرچه قراردادهای جدید نفتی ایران مالکیتی برای سرمایه‌گذار نسبت به هیدروکربن تولیدی ایجاد نمی‌کند، بنابر صلاح‌دید شرکت ملی نفت ایران، امکان بازپرداخت هزینه‌ها و پرداخت دستمزد در قالب محصول و با سازوکاری خاص وجود دارد که می‌تواند موجبات توافق درباره سازوکارهای تسهیم و تعادل میان اعضای مشارکت را ایجاد کند.

واژگان کلیدی: تسهیم نفت، تعادل گاز، مدیریت هیدروکربن، موافقت‌نامه عملیات مشترک.

### مقدمه

بر مبنای نظام حقوقی حاکم، اکتشاف، توسعه و تولید منابع نفت و گاز به شرکت نفتی یا گروهی از شرکت‌ها در قالب اجاره یا امتیاز واگذار شده، یا قرارداد مشارکت در تولید یا خدماتی با آن‌ها منعقد می‌شود. با ژرف‌نگری به طیف وسیع فعالیت‌های اکتشاف و توسعه میدانی نفت و گاز، اصولاً گروهی از شرکت‌های نفتی به عنوان سرمایه‌گذار، طرف این‌گونه قراردادها قرار می‌گیرند؛ از این‌رو مقتضی است روابط آن‌ها تحت قراردادهای عملیات مشترک تنظیم شود. با توجه به اختصاص تولیدات میدان به سرمایه‌گذار برای بازپرداخت هزینه و سود ناشی از عملیات نفتی تحت برخی از قراردادهای بالادستی اصلی، موضوع نحوه تسهیم هیدروکربن تخصیصی بین اعضای مشارکت سرمایه‌گذار مطرح می‌شود. پس در مواردی که تولید از میدان به صورت مشترک انجام می‌شود، میزان استحقاق هر یک از طرفین به میزان سهم وی در میدان بستگی دارد. از این‌رو ضروری است سازوکارهای برداشت در انطباق کامل با سایر قراردادها، از جمله قرارداد عملیات مشترک، قرارداد یکپارچه‌سازی و قرارداد منعقد با دولت میزبان، تنظیم شود.

نبود مقررهای لازم درباره برداشت و تقسیم هیدروکربن تولیدی، ممکن است سبب بروز اختلاف بین اعضای مشارکت شده و کسب سود را که هدف اصلی آن‌ها از اجرای عملیات نفتی است، متأثر سازد. همچنین نبود شفافیت لازم در این باره می‌تواند زمینه‌ساز بهره‌مندی شرکایی شود که دارای امکانات و بازاریابی مناسب‌تری هستند. افزون بر حقوق و تعهدات هر یک از طرفین برای برداشت نفت، در قراردادهای عملیاتی مشترک، باید سازوکارهایی تفصیلی تعریف شود که به موجب آن برداشت انجام گیرد یا روابط طرفین مشارکت در قالب قراردادی مجزا تنظیم شود.

با توجه به توضیحات بالا، باید به این مسئله پرداخت که سهم کلی طرف‌های قراردادهای عملیات مشترک از قرارداد بالادستی اصلی چگونه تخصیص می‌یابد؟ قرارداد عملیات مشترک چه قواعدی برای این موضوع وضع می‌کند و تقسیم با چه فرایندی انجام می‌شود؟ با توجه به تفاوت‌های فیزیکی و خصایص متفاوت هیدروکربن تولیدی باید این مسئله نیز بررسی شود که آیا از منظر قراردادی ترتیبات تخصیص و برداشت درباره همه انواع هیدروکربن‌ها یکسان بوده یا این‌که متفاوت است؟ از جمله پرسش‌های دیگری که نیاز به مذاقه دارد، این است که در صورت بروز عدم تعادل در نتیجه تخصیص هیدروکربن، چطور می‌توان به تعادل در میزان تخصیص یافته با توجه به سهم طرفین بازگشت؟ در پایان باید به این امر نیز پرداخت که آیا جایگاهی برای مقررهای تسهیم هیدروکربن و قراردادهای اختصاصی این حوزه درباره قرارداد‌های جدید نفتی ایران متصور است یا خیر؟

بنابراین، مقاله پیش رو به منظور پاسخ به پرسش‌های پیش‌گفته در چهار مبحث به بررسی مفهوم، جایگاه، انواع قراردادهای مدیریت هیدروکربن تولیدی و یکسان‌سازی در این حوزه می‌پردازد و در پایان جایگاه آن‌ها در زمینه قرارداد جدید نفتی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد.

## ۱. مفهوم و جایگاه قراردادهای مدیریت هیدروکربن تولیدی در زنجیره قراردادهای نفتی

در قراردادهایی همانند قراردادهای امتیازی یا قراردادهای مشارکت در تولید که به سرمایه‌گذاران بالادستی، حق تولید از میدان و بازگشت سرمایه و سود در قالب اختصاص تولیدات یا پرداخت به صورت محصول را می‌دهند، توسعه‌دهنده میدان و تولیدکننده مستحق سهم تولیدی خود از میدان خواهد بود. از این رو اعضای مشارکت سرمایه‌گذار از طریق انعقاد موافقت‌نامه عملیات مشترک<sup>۱</sup> می‌کوشند ریسک‌ها، مسئولیت‌ها و به تبع آن‌ها، پاداش را بر مبنای سهم یا درصد مشارکت تسهیم کنند. اعضای مشارکت به موجب قرارداد مذکور با هدف تسهیل عملیات، شخصی را به عنوان راهبر<sup>۲</sup> مشارکت مشخص می‌کنند تا عملیات از طریق ایشان هدایت شود (Jennings, 2004: 23). همچنین در قراردادهای عملیات مشترک، می‌بایست نحوه تسهیم و برداشت نفت از سوی هر یک از طرفین مشارکت مشخص شود. این موضوع در مواردی مهم است که تحت قرارداد اصلی، میزان مشخصی نفت به طرفین مشارکت به طور جمعی تخصیص می‌یابد، بدون این‌که به تقسیم آن بین اعضای مشارکت بپردازد. قراردادهای عملیات مشترک نفت بر اساس سهم مشارکت طرفین، میزان هیدروکربن تخصیصی را مشخص نموده و به هر یک حق برداشت، تحویل‌گیری و فروش مجزای سهم تخصیص‌یافته را می‌دهد. همچنین تعهدات متناظر هر یک را در این باره مشخص می‌کند؛ زیرا این تعهدات از این جهت دارای اهمیت است که اگر برای مثال، یکی از طرفین نخواهد سهم خود را برداشت کند، این امر می‌تواند تولیدات در جریان میدان را متأثر سازد. افزون بر حقوق و تعهدات هر یک از طرفین برای برداشت نفت در نقطه تحویل تعریف‌شده، در قراردادهای عملیاتی مشترک، باید سازوکارهایی تفصیلی تعریف شود که به موجب آن، برداشت انجام شود یا در قالب قراردادی مجزا روابط طرفین مشارکت تنظیم گردد. از این رو موافقت‌نامه‌های برداشت<sup>۳</sup> درباره نفت خام و قراردادهای تعادل تسهیم گاز<sup>۴</sup> در مورد گاز طبیعی تنظیم می‌شود (Carvell, 2016: 51). این

- 
1. Joint Operating Agreement
  2. Operator
  3. Lifting Agreements
  4. Gas Balancing Agreements

قراردادها در مجموع با عنوان قراردادهای مدیریت هیدروکربن یا نفت و گاز<sup>۱</sup> شناخته می‌شوند؛ زیرا به موجب آن‌ها هیدروکربن تولیدی در نقطه تولید به اعضای مشارکت تخصیص می‌یابد و منافع طرفین براساس آن مدیریت و تنظیم می‌شود (Roberts, 2013: 123). قراردادهای مذکور در سطح بین‌المللی در دسته قراردادهای میان‌دستی جای می‌گیرند که مجموعه فعالیت‌های نفتی حدواسط بالادستی و پایین‌دستی را دربرمی‌گیرد (Roberts, 2019: 174). با توجه به تقسیم‌بندی عملیات نفتی به بالادستی، پایین‌دستی و تجارت نفت، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمیایی در قانون نفت ۱۳۶۶ (با اصلاحات ۱۳۹۰)، می‌توان این قراردادها را در دسته فعالیت‌های بالادستی جای داد. براساس تعریف ارائه‌شده در قانون نفت، کلیه مطالعات، فعالیت‌ها و اقدامات مربوط به اکتشاف، حفاری، استخراج، بهره‌برداری و صیانت از منابع نفتی، انتقال، ذخیره‌سازی و صادرات آن، مانند پی‌جویی، نقشه‌برداری، زمین‌شناسی، ژئوفیزیک، ژئوشیمی، حفر و خدمات فنی چاه‌ها، تزریق گاز، آب، هوا و یا هر فعالیتی که به برداشت بهینه و حداکثری از منابع نفتی بینجامد و نیز احداث و توسعه تأسیسات و صنایع وابسته، تحدید حدود، حفاظت و حراست آن‌ها برای عملیات تولید و قابل عرضه کردن نفت در حد جداسازی اولیه، صادرات، استفاده و یا عرضه برای عملیات پایین‌دستی را دربر بگیرد. همچنین با توجه به این موضوع که قراردادهای پایین‌دستی ناظر به عملیات تصفیه و پالایش در تأسیسات پالایشی بوده و تجارت نیز ناظر به عملیات و بازاریابی و فروش نفت است که هردو این فعالیت‌ها پس از اجرای قراردادها و فعالیت‌های مدیریت هیدروکربن تولیدشده تحقق می‌یابد، می‌توان این قراردادها را ذیل قراردادهای بهره‌برداری جای داد. از این رو، قراردادهای مدیریت هیدروکربن به‌منظور دستیابی به سهم تولید، فی‌مابین طرفین تنظیم می‌شود. این موضوع از این نظر مهم است که سود طرفین قرارداد و همچنین نقدینگی این دسته اشخاص از راه دستیابی به هیدروکربن تولیدی تأمین می‌شود. در این قرارداد، هیدروکربن تولیدی از طریق پایانه فراساحلی یا خشکی یا واحدهای شناور تولید، ذخیره‌سازی و تخلیه به شخص ذی‌حق تحویل داده می‌شود. از جمله پیش‌شرط‌های قراردادهای برداشت، امکان برداشت بدون اختلاف از میدان و حمل هیدروکربن تولیدی است. از این رو در مواردی که به دلیل قوانین و مقررات حاکم، امکان برداشت از میدان وجود ندارد یا به‌رغم وجود این امکان، حمل هیدروکربن برای تمامی شرکا در شرایط برابر ممکن نیست، انعقاد قرارداد برداشت یا تنظیم رویه‌ای ناظر به این امر فاقد موضوعیت است؛ زیرا ضروری است این امکان برای هر یک از طرفین وجود داشته باشد تا نسبت به برداشت سهم خود اقدام کنند. پس از تخصیص نفت و گاز تولیدی به‌موجب قراردادهای مدیریت، هر طرف می‌تواند به صورت

مجزا اقدام به بازاریابی و فروش محصول کند. طرفین ممکن است در این مرحله نیز وارد مشارکت دیگری شده و راهبر از سوی همهٔ شرکا، به بازاریابی و فروش اقدام کند. اصولاً ترتیبات حمل نفت و بازاریابی و فروش در چهارچوب قراردادهای عملیات مشترک جای نمی‌گیرد.

## ۲. یکسان‌سازی در حوزه قراردادهای مدیریت هیدروکربن

به‌منظور تسریع در روند انعقاد قراردادها و تسهیل توافق طرفین، کوشش‌های زیادی برای تهیه نمونه قراردادهای حوزه نفت و گاز انجام شده است. قرارداد نمونه متنی ازپیش تهیه شده است که میزان حقوق و تعهدات هرکدام از طرفین، موارد نقض قرارداد، ضمانت اجرای آن، نحوه حل و فصل دعاوی ناشی از قرارداد، قانون حاکم بر قرارداد و جزئیات مهم دیگر در آن به‌طور مبسوط پیش‌بینی شده است که با پرکردن جاهای خالی، این قرارداد می‌تواند به قراردادی کامل تبدیل شود. تکمیل جاهای خالی یک قرارداد نمونه، آن را به قراردادی معین و خاص تبدیل می‌کند (شیروی، ۱۳۷۸: ۶۴). گفتنی است که قراردادهای نمونه تهیه‌شده توسط انجمن‌ها و سازمان‌های فعال در صنعت نفت و گاز، بازتاب‌دهندهٔ عرف‌های موجود در صنعت و حاوی مهم‌ترین شروطی است که باید در قرارداد پیش‌بینی شوند. این‌گونه قراردادها با دقت تنظیم شده و اصولاً نحوه نگارش آن‌ها ساده و خالی از ابهام است.

قراردادهای مدیریت نفت و گاز و قراردادهای عملیات مشترک نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفت و گاز<sup>۱</sup> به عنوان سازمانی حرفه‌ای و غیرانتفاعی، به تنظیم قراردادهای نمونه در این حوزه اقدام کرده است.<sup>۲</sup> یکی از خدمات این انجمن، توسعه نمونه قراردادهای نفتی بین‌المللی در صنعت بالادستی و میان‌دستی است. انجمن به‌منظور تضمین پذیرش قراردادهای نمونه در دست تهیه، از سازمان‌های تجاری بسیاری دعوت کرد. برای تنظیم مواد قرارداد، کمیته‌های فرعی تشکیل و پس از تهیه قراردادهای نمونه بین‌المللی، انجمن برای کمک به استفاده‌کنندگان نهایی از قراردادهای نمونه، یادداشت‌های راهنما نیز ارائه کرد. به باور اسپچیل<sup>۳</sup>، پذیرش قراردادهای نمونه توسط صنعت موجب اعتبار این دسته از قراردادها شده است (Schaible, 2004: 180). در کنار این انجمن، ازجمله سازمان‌های دیگری که اقدام به استانداردسازی در حوزه قراردادهای تسهیم گاز

1. Association of International Petroleum Negotiators

۲. این انجمن در سال ۱۹۸۲ در آمریکا تأسیس شد و متشکل از ۱۵۰۰ عضو (شامل نمایندگان شرکت‌های نفتی بین‌المللی، شرکت‌های ملی نفت، وزارتخانه‌های انرژی دولت‌های میزبان، مؤسسات حقوقی و مشاوره‌ای و تحلیلگران انرژی از بیش از ۷۵ کشور) است.

3. Schaible

نموده‌اند، می‌توان به انجمن آمریکایی متخصصان زمین<sup>۱</sup> و بنیاد منتسب به قانون معادن کوهستان راکی<sup>۲</sup> اشاره کرد (Martin, 2004: 321).

### ۳. انواع قراردادهای مدیریت هیدروکربن تولیدی

در قراردادهای بالادستی اصلی، پس از تولید تجاری و تخصیص محصول میدان برای بازگشت اصل و سود سرمایه‌گذاری، موضوع تسهیم تولیدات تحت قرارداد عملیات مشترک مطرح می‌شود. در این قرارداد، نحوه برداشت و تحویل محصول بین طرف‌های مشارکت مشخص می‌شود. ترتیبات تخصیص و برداشت محصول بسته به نوع آن (نفت خام یا گاز طبیعی) متفاوت خواهد بود. بخشی از توافقات طرفین درباره تسهیم تولیدات در قرارداد عملیات مشترک قید می‌گردد (برای مثال، ماده ۹ قرارداد نمونه انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفت و گاز) و بخشی دیگر در قراردادهای مدیریت نفت و گاز تولیدشده منعکس می‌شود. در این باره می‌توان به رویه‌های تفصیلی برداشت در زمینه نفت خام اشاره کرد که می‌بایست به صورت مجزا مورد توافق طرفین قرار گرفته و به عنوان پیوست قرارداد عملیات مشترک لحاظ شود. این امر درباره قرارداد تعادل تسهیم گاز نیز صدق می‌کند. از موضوع‌های مهمی که باید در فرایند تخصیص مورد توجه قرار گیرد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نقطه‌ای که در آن تخصیص سهم اختصاصی انجام می‌شود؛
  - تخصیص تولیدات ناشی از عملیات انحصاری برای شرکایی که در عملیات انحصاری مشارکت کرده‌اند؛
  - تعیین نحوه و زمان تحقق حقوق مشارکتی دولت (در صورت قابلیت اعمال) یا تعهدات ناظر به بازار داخلی؛
  - تعیین این موضوع که آیا راهبر می‌تواند محصول تولیدی را برای استفاده در عملیات تولید، نگه دارد (برای نمونه، گاز برای تزریق مجدد)؛
  - میزان محصول قابل تخصیص در مواردی که برای بازیافت هزینه یا سود اختصاص داده می‌شود (Carvell, 2016: 50).
- با توجه به توضیحات بالا، در ادامه به بررسی تسهیم نفت و تعادل تسهیم گاز می‌پردازیم.

1. American Association of Professional Landman  
2. Rocky Mountain Mineral Law Foundation

### ۳.۱. تسهیم نفت خام

نخستین مسئله درباره قرارداد برداشت این است که طرف‌ها چگونه تولیدات میدان را تقسیم می‌کنند. در مواردی که تولید از میدان مشترک انجام می‌شود، میزان استحقاق هر یک از طرفین به میزان سهم وی در میدان بستگی دارد. از این رو ضروری است قرارداد برداشت در انطباق کامل با سایر قراردادهای، از جمله قرارداد عملیات مشترک، قرارداد یکپارچه‌سازی و قرارداد با دولت میزبان، تنظیم شود. به این دلیل، نخست باید به این مسئله پرداخت که سهم کلی طرف‌های قراردادهای عملیات مشترک از قرارداد بالادستی اصلی چگونه تخصیص می‌یابد؟ قرارداد عملیات مشترک چه قواعدی برای این قضیه وضع می‌کند؟ سپس فرایند تقسیم بیان خواهد شد.

#### ۳.۱.۱. تقسیم و تخصیص

در قراردادهای مشارکت در تولید عوامل مختلفی برای محاسبه سهم دولت و شرکت نفتی دخیل هستند. در این قراردادهای، اصولاً دولت‌ها درباره محقق شدن میزان تولید تجاری و همچنین نظام مند بودن آن نگران هستند. از این رو ممکن است تحت قرارداد اصلی ارائه گزارش‌های منظم درباره پیش‌بینی تولید، حجم برداشت ماهیانه را لازم بدانند. در این گونه موارد در صورت مخالفت دولت با گزارش ارسالی، ممکن است دولت رأساً به ارسال گزارش بازنگری شده در این باره اقدام کند (Jennings, 2008: 36). با توجه به استحقاق طرفین مبنی بر برداشت سهم خود از تولید در قراردادهای مدیریت نفت و گاز تولیدشده، میزان استحقاق هر یک از طرفین در این باره باید مشخص شود. از این رو، لازم است در قرارداد برداشت جزئیاتی همانند فرایند تعیین سهم هر یک از طرفین با در نظر گرفتن میزان مشارکت در قرارداد اصلی، هیدروکربن تولیدشده، هیدروکربن‌های ازدست‌رفته، هیدروکربن ذخیره‌شده درج گردد. همچنین در این باره ضروری است موضوع برداشت بیشتر یا کمتر از میزان استحقاقی نیز در قرارداد پیش‌بینی شود. تخصیص نفت تولیدی بدین گونه است که هر یک از طرف‌ها در نقطه تحویل طی دوره‌های سالانه، ماهانه، روزانه یا حتی ساعتی اقدام به برداشت محصول می‌کند. در فرایند تقسیم، نحوه تعیین حجم نفت تولیدی مهم است که در موافقت‌نامه برداشت انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفت و گاز، از عنوان حجم ناخالص استاندارد یاد شده است که معیار مشخصی را برای آن در نظر گرفته است.<sup>۱</sup> موافقت‌نامه برداشت انجمن مذاکره‌کنندگان

۱. همانند جمع حجم هیدروکربن‌های مایع، رسوبات و آب، به استثنای آب آزاد، سازگار با دمای شصت درجه فارنهایت، اگر واحد اندازه‌گیری، بشکه باشد و دمای پانزده درجه سانتی‌گراد، اگر واحد اندازه‌گیری، متر مکعب باشد و سازگار با یک واحد فشار استاندارد اتمسفر با اعمال ضریب‌های اصلاحی فشار درباره چگالی نسبی.

بین‌المللی نفت و گاز، درباره تقسیم هیدروکربن‌های مایع (اعم از نفت خام و غیره) بوده و گاز از مقرره‌های آن خارج است. با وجود این، ماده ۳-۹ قرارداد متضمن کلیاتی درباره گاز طبیعی است. در حال، با توجه به پیچیدگی‌هایی که تقسیم گاز دارد، فرایند تقسیم گاز تابع موافقت‌نامه‌های تعادل تسهیم گاز است. یکی دیگر از مسائل مهم تقسیم، زمان و مکان تقسیم است. در شرح کار قرارداد برداشت هیدروکربن‌های تولیدی، منطقه قرارداد درج می‌شود. همچنین ممکن است این نوع قراردادها متضمن این شرط نیز باشد که مالکیت هیدروکربن برداشتی از محل استخراج، به طرف برداشت‌کننده منتقل می‌شود. مدت‌زمان قرارداد برداشت نیز از آغاز عملیات تولید<sup>۱</sup> تا زمان توقف دائمی برداشت است. بدیهی است درباره مؤلفه زمان، ضروری است که قرارداد برداشت منطبق با قراردادهای مبنایی (قرارداد امتیاز اصلی، قرارداد مشارکت در تولید، قرارداد عملیات مشترک و یا یکپارچه‌سازی) تنظیم شود؛ زیرا با توجه به تبعی بودن این قرارداد، امکان انعقاد قرارداد برای مدت‌زمانی بیشتر از قراردادهای مبنایی وجود ندارد. همچنین با توجه به لزوم حمل هیدروکربن برداشت‌شده، لازم است بین قرارداد برداشت و قرارداد حمل هم‌خوانی و هماهنگی وجود داشته باشد. بدیهی است با توجه به امکان تعارض میان اسناد، ضروری است ضمن پیوست‌کردن قرارداد حمل به قرارداد برداشت، در بحث اولویت اسناد نیز قرارداد برداشت بر قرارداد حمل اولویت داشته باشد (Jennings, 2008: 35).

در قرارداد عملیات مشترک، نقطه‌ای را به عنوان نقطه تخصیص<sup>۲</sup> تعیین می‌کنند که در آن، راهبر نفت تولیدی را اندازه‌گیری کرده و تقسیم انجام می‌شود. این نقطه می‌تواند منطبق با متفاوت از نقطه تحویل باشد که بر این اساس، مالکیت و ریسک منتقل می‌شود. براساس درصد مشارکت، سهم هر یک از طرف‌ها از برآورد میزان تولیدات در ماه تعیین می‌شود. با توجه به تخمینی بودن این مقادیر، از آن‌ها به عنوان سهمیه موقت<sup>۳</sup> یاد می‌شود. بنابراین، لازم است چگونگی محاسبه مقدار تولیداتی که هر یک می‌تواند برداشت کند نیز مشخص گردد. سهمیه قابل برداشت<sup>۴</sup> هر یک از شرکا برابر است با سهمیه موقت، اما باید میزان کسری‌هایی که طرف در ماه‌های قبل داشته نیز در آن لحاظ شود. به همین دلیل، کسری‌ها<sup>۵</sup> که در واقع مابه‌التفاوت میان میزان برداشت‌شده و سهمیه موقت در ماه‌های قبلی است، به سهمیه قابل

۱. طبق ماده ۵ موافقت‌نامه برداشت، راهبر پیش از شروع تولید تجاری اولیه، فرایند تعیین میزان سهمیه را آغاز خواهد کرد. طرف‌ها با توافق خود تعیین می‌کنند که این فرایند دقیقاً باید چند روز پیش از شروع تولید تجاری اولیه آغاز شود.

2. Allocation Point

3. Provisional Entitlement

4. Lifting Entitlement

5. Actual Stock Balance (ASB) (ذخیره واقعی تعادلی)



برداشت اضافه می‌شود. با توجه به لزوم برنامه‌ریزی عملیات برداشت و ایجاد هماهنگی بین طرف‌های ذی‌حق برداشت هیدروکربن تولیدی، در قراردادهای برداشت شخصی به عنوان هماهنگ‌کننده برداشت تولید<sup>۱</sup> انتخاب می‌شود که موظف به انجام برنامه‌ریزی و هماهنگی درباره میزان تولید مورد انتظار، میزان تولید واقعی و همچنین طرف برداشت‌کننده است. با توجه به اشراف راهبر میدان درباره عملیات تولید و نیز مسئولیت راهبر درباره قرارداد اصلی، وی به عنوان هماهنگ‌کننده در قرارداد برداشت انتخاب می‌شود. هماهنگ‌کننده مسئولیت ارتباط با طرف‌های برداشت‌کننده از میدان، راهبر پایانه حمل و نیز تانکرهای حمل را برعهده دارد. در قرارداد برداشت، مسئولیت‌ها و وظایف شخص هماهنگ‌کننده، مانند مدیریت اطلاعات و داده‌ها، تنظیم دوره‌ای گزارش برای طرفین و راهبر پایانه است. هماهنگ‌کننده موظف است برای هر یک از طرفین، اعلامیه‌ای مبنی بر برآورد استحقاق هر طرف، نوع و درجه هیدروکربن‌ها ارسال کند.

### ۳.۱.۲. برداشت

پس از انجام تقسیم و تخصیص، موضوع برداشت هر یک از شرکا مطرح می‌گردد. برداشت تولیدات به میزان سهم هر یک از شرکا در مشارکت، از حقوق آنها شمرده می‌شود. باید توجه داشت که عدم اجرای برداشت تولیدات به میزان سهم تعیینی، می‌تواند بر حق برداشت دیگران و جریان مستمر تولید تأثیر بگذارد؛ از این رو در قراردادهای عملیات مشترک، برداشت تولیدات به میزان سهم تعیینی، افزون بر حق، تعهد طرفین نیز شمرده می‌شود. با وجود این، طرفین ممکن است به دلایل تجاری (برای مثال کاهش قیمت نفت) یا عملیاتی، از سهمیه خود کمتر یا بیشتر برداشت کنند یا تصمیم به کاهش یا توقف تولید بگیرند. چنانچه براساس قرارداد اصلی، حداقل تعهد تولید برای سرمایه‌گذار پیش‌بینی شده باشد، ممکن است دولت با کاهش یا توقف تولید مخالفت کند.

در صورت برداشت نشدن سهمیه، ممکن است راهبر تولیدات را به مخزن ذخیره‌سازی انتقال دهد یا از طرف‌های دیگر درخواست کند که پیش از میزان تخصیص یافته خود برداشت کنند. همچنین ممکن است راهبر مجاز باشد که تولیدات برداشت‌نشده را فروخته و با کسر هزینه‌ها، درآمد حاصل از فروش را به حساب اعضا واریز کند.

برداشت طی رویه تعیین‌شده در قرارداد یا موافقت‌نامه برداشت انجام می‌شود. یکی از وظایفی که راهبر در مرحله برداشت برعهده دارد، تهیه برنامه برداشت است. این برنامه متضمن ساختار و نحوه برداشت در هر ماه است. راهبر در تنظیم برنامه برداشت باید نوع و میزان

تولیدات، ظرفیت ذخیره‌سازی در پایانه، جمع تعداد برداشت‌ها از پایانه، مجموع برداشت کمتر یا بیشتر از سهمیه و سایر جزئیات عملیاتی و فنی دربارهٔ جلوگیری از توقف یا کاهش تولید را در این برنامه لحاظ کند.

طرف‌ها می‌توانند با تأیید راهبر، پیش از اولین برداشت، روزهای بارگیری خود را با یکدیگر جابه‌جا کنند. عدم تأیید راهبر باید مستند به موانع مربوط به تولید، ذخیره‌سازی یا سایر موانع عملیاتی و برداشت بیشتر یا کمتر از سهمیه باشد و راهبر نمی‌تواند بدون دلیل موجه از تأیید توافق انجام‌شده خودداری کند. فرایند برداشت عموماً تحت اختیار و کنترل راهبر است. با وجود این، در موافقت‌نامه‌های برداشت، برای طرف‌های غیرراهبر نیز اختیاراتی قائل می‌شوند که تحت شرایط مقرر در موافقت‌نامه برداشت، می‌توانند این حقوق را اعمال کنند. ازجمله این اختیارات، امکان پیشنهاد مقدار نفتی است که هر طرف می‌خواهد در چهارچوب برنامهٔ برداشت و حدود سهمیه برداشت کند. طرفی که می‌خواهد از این اختیار استفاده کند، باید پیشنهاد خود را ظرف مدت‌زمان مشخصی، قبل از آغاز ماه برداشت، به راهبر ارائه کند.

قراردادهای برداشت متضمن شروطی هستند که طرف‌های قرارداد را قادر می‌سازند بیشتر یا کمتر از میزان استحقاق خود برداشت کنند؛ برای نمونه، اگر تانکر حمل‌کننده در روز تعیین‌شده حاضر نشود یا در صورت حضور، ظرفیت تانکر کمتر یا بیشتر از مقدار تخصیصی طرف در آن روز باشد یا این‌که به دلیل لزوم حفظ جریان تولید، راهبر طرف برداشت‌کننده را به برداشت کمتر یا بیشتر الزام کند که در این موارد اگر طرف برداشت‌کننده، الزام راهبر را اجرا نکند، راهبر رأساً می‌تواند به هزینهٔ طرف برداشت‌کننده، نفت فروخته‌شده به ثالث را از او خریداری کند. این موضوع باید طبق قرارداد و با دخالت راهبر انجام گیرد. البته ترتیبات تخصیص برای این موضوع محدودیت‌هایی را قائل می‌شود؛ با این هدف که تا قبل از پایان عملیات تولید، سهمیه‌ها در نهایت مطابق با سهم مشارکت، تقسیم شده و سهم طرفی که کمتر از سهمیه برداشت می‌کند، جبران‌نشده باقی نماند.

در صورت برداشت کمتر یا بیشتر، لازم است طرفی که از این امکان استفاده می‌کند ظرف مدت‌زمانی - برای مثال یک ماه - موقعیت خود را در این باره متعادل کند؛ زیرا لازم است برنامهٔ زمان‌بندی برداشت بدون انحراف ادامه یابد. با وجود این، چنانچه استفاده از سازوکار برداشت بیشتر یا کمتر از میزان مقرر، موجبات ورود ضرر شود، ممکن است این موضوع برای برخی از طرف‌ها محدود شود. همچنین این موضوع دربارهٔ تداخل با عملیات پایانه نیز جاری است. با توجه به فروش هیدروکربن برداشتی از جانب ذی‌نفعان، لازم است شروط برداشت بیشتر یا

کمتر توسط طرفین به عنوان فروشنده هیدروکربن بررسی شده تا با تعهدات مندرج در قرارداد فروش هم‌خوان باشد.

در صورت محدود شدن برداشت بیشتر از سهمیه به میزان مشخص، این محدودیت می‌تواند براساس درصدی از کل سهمیه قابل برداشت طرف برداشت‌کننده در ماه یا تعداد مشخصی از واحدهای تعیین‌شده برای اندازه‌گیری یا براساس تعداد روزهای مشخصی از روزهای تولید باشد. درباره برداشت کمتر از سهمیه نیز این محدودیت می‌تواند براساس درصدی از محموله استاندارد (که مقدار آن در قرارداد تعیین می‌شود)، تعداد مشخصی از واحدهای اندازه‌گیری یا تعداد معینی از روزهای تولید در نظر گرفته شود.

بنابراین با توجه به توضیحات بالا، مواردی که باید درباره برداشت کمتر یا بیشتر از میزان مقرر مورد توجه قرار گیرد، به شرح زیر است:

۱. شروط ناظر به برداشت کمتر یا بیشتر باید به گونه‌ای باشد که طرف برداشت‌کننده نتواند از آن برای حفاظت از خود در مقابل قیمت بالا یا پایین نفت استفاده کند. محدود کردن حجم برداشت بیشتر و/ یا کمتر، از جمله سازوکارهایی است که می‌تواند به این موضوع کمک کند؛

۲. پیش‌بینی سازوکار تصمیم‌گیری اجماعی برای حالتی که طرفین تمایل به توقف تولید دارند؛

۳. صادرنشدن اجازه استفاده از حق برداشت کمتر در مواردی که کارآمدی و حجم تولید را در معرض خطر قرار می‌دهد که در این صورت راهبر می‌تواند میزان حجم کاهش‌یافته را بفروشد و درآمد آن را به حساب شخص برداشت‌کننده واریز کند (Carvell, 2016: 51).

هر یک از طرف‌هایی که قصد برداشت دارد باید میزان برداشت خود را به هماهنگ‌کننده اعلام کند. در این‌گونه موارد لازم است مواردی به شرح زیر از طرف برداشت‌کننده اعلام شود:

- جزئیات تانکر و در مواردی که هنوز جزئیات تانکر مشخص نشده است، طرف برداشت‌کننده باید تضمین کند که تانکر پیشنهادی الزامات پایانه را دارا خواهد بود؛

- زمان تقریبی ورود و مقصد بعدی آن؛

- طول تانکر، آب‌خور حدودی با فرض بارگیری کامل. با توجه به لزوم هماهنگی با قوانین و مقررات بندر، این معیارها بسیار مهم هستند.

در ابتدای هر برداشت، طرف برداشت‌کننده ملزم است اسناد حملی را به هماهنگ‌کننده مجموعه ارائه کند. این اسناد مشتمل بر بارنامه، گواهی کیفیت و گواهی مبدأ است. براساس قرارداد مشارکت در تولید ممکن است مقام تولیدی به عنوان نهاد مسئول برای تهیه گواهی‌نامه‌های کمیت، کیفیت و مبدأ تعیین شده باشد. در حالتی که تحویل از طریق خط لوله انجام می‌شود، باید میزان پیشنهادی و تاریخ تحویل اعلام شود. همچنین در صورتی که تحویل

از طریق خطوط لوله انجام می‌شود، لازم است فرم اعلام استاندارد دربارۀ تحویل هیدروکربن برداشت‌شده به قرارداد ضمیمه شود.

موضوع‌های اعلامی از جانب هماهنگ‌کننده به راهبر پایانه اعلام می‌شود. با توجه به لزوم هماهنگی با راهبر پایانه، قراردادها متضمن فرایند تغییر و بازنگری اعلام‌های انجام‌شده از جانب طرفین هستند؛ به‌گونه‌ای که هر تغییری که به وسیلۀ راهبر پایانه اعلام می‌شود باید در اعلامیۀ ارسالی از جانب برداشت‌کننده لحاظ شود.

در حمل دریایی لازم است مشخصات تانکرهایی که برای عملیات حمل اختصاص داده می‌شوند در قرارداد برداشت یا در قرارداد حمل جانبی درج شود که در این زمینه منعقد می‌شوند. ازجمله این مشخصات می‌توان به طول و آب‌خور شناور اشاره کرد. چنانچه تانکر معرفی‌شده فاقد الزامات تعیین‌شده در قرارداد باشد، راهبر پایانه تمایل دارد که خود را در قبال حوادث مربوطه مصون کند. همچنین لازم است تانکر معرفی‌شده الزامات بین‌المللی، مقررات بندر و دیگر مقررات بین‌المللی در این زمینه را دارا باشد. امکان جایگزینی تانکر معرفی‌شده نیز وجود دارد؛ مشروط به این موضوع که حجم برنامه‌ریزی‌شده برای حمل تغییر نکند. در این حالت، تانکر باید وفق برنامه‌ی زمان‌بندی انجام‌شده در بندر حضور یابد. چنانچه تانکر معرفی‌شده فاقد مؤلفه‌های تعیین‌شده باشد، راهبر پایانه می‌تواند از پهلوگیری آن جلوگیری کند. در این صورت طرف برداشت‌کننده می‌تواند تانکر جایگزینی را معرفی کند.

ممکن است قرارداد برداشت دربردارندۀ شرطی باشد که در صورت معرفی نشدن تانکر از جانب هر یک از طرفین قرارداد یا قصور در برداشت، امکان برداشت برای سایر طرفین قرارداد را فراهم آورد. در این حالت لازم است سایر طرفین قرارداد، درخواست خود در این باره را ظرف بازۀ زمانی معینی اعلام کنند. همچنین در صورتی که هیچ‌یک از طرف‌های قرارداد قادر به برداشت سهم طرف قصورکننده نباشند، ممکن است در قرارداد این اختیار برای هماهنگ‌کننده پیش‌بینی شود تا اقدام به فروش کنند. همچنین ممکن است میزان برداشت‌نشده از سهم ماه‌های آتی طرف قصورکننده کم شود (Jennings, 2008: 39-40).

### ۳.۲. تسهیم گاز

ترتیبات تسهیم گاز، به دلیل ساختار شیمیایی متفاوت آن در مقایسه با هیدروکربن‌های مایع، متمایز بوده و تقسیم به صورت متوازن و مطابق با سهم مشارکت دشوار است. از این رو لازم به تنظیم موافقت‌نامه‌ای مجزا با توجه به ویژگی‌های این هیدروکربن است. بنابراین موافقت‌نامه‌ای با عنوان تعادل تسهیم گاز منعقد می‌شود.

موافقت‌نامه تعادل تسهیم، قراردادی است که به‌موجب آن ترتیباتی برای تعدیل سهمیه‌ها در صورت ناهم‌خوانی میزان برداشتی با سهمیه‌ها مقرر می‌دارد (Williams & Meyers, 2018: 877). در آمریکای شمالی این موافقت‌نامه‌ها عموماً در مورد گاز منعقد می‌شود، اما در سایر کشورها ممکن است درباره نفت (هیدروکربن‌های مایع) نیز استفاده شود (Sweeney, 2016: 13.04.1). این موافقت‌نامه در آمریکای شمالی به عنوان پیوست قرارداد عملیات مشترک قرار می‌گیرد؛ درحالی‌که اصولاً در قراردادهای بین‌المللی توافقی از پیش در این باره انجام نمی‌شود؛ زیرا تعیین ترتیبات تعادل تسهیم پیش از کشف تجاری امری دشوار است که حتی پس از کشف تجاری نیز مستلزم انجام مطالعات مهندسی و تجاری است (Sweeney, 2016: 13.04.1). همچنین ممکن است شرکت نفت دولتی طرف قرارداد در قراردادهای بالادستی، بازاریابی و فروش گاز را برعهده بگیرد.

تحقق عدم تعادل سبب هدررفت مقادیر زیادی از سرمایه طرفین می‌شود؛ از این رو تعیین شیوه جبران آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. برای جبران عدم تعادل، دو سازوکار کلی وجود دارد: جبران از طریق برداشت بیشتر بعدی (جبران در قالب محصول)<sup>۱</sup> یا جبران نقدی<sup>۲</sup>. با وجود این و با توجه به این موضوع که ممکن است هر یک از این روش‌ها در عمل قادر به ایجاد تعادل کامل میان طرفین نباشد، از سازوکار مرکب نیز استفاده می‌شود که ترکیبی از دو سازوکار پیش‌گفته است.

سازوکارهای ایجاد تعادل با توجه به ماهیت آن‌ها می‌توانند در بازه‌های زمانی متفاوتی، برای مثال دوره‌ای یا در زمان آفت فشار چاه و متوقف شدن تولید چاه یا میدان به کار گرفته شوند. استفاده از روش جبران در قالب محصول، فقط به صورت دوره‌ای و در طول عمر میدان یا چاه امکان‌پذیر است؛ زیرا در این روش، از گاز تولیدی از میدان، برای بازگرداندن وضعیت طرفین به حالت تعادل استفاده می‌شود و در فرضی که برداشت از چاه به دلیل کاهش فشار آن متوقف می‌شود، روش تعادل غیرنقدی فاقد کارایی لازم است.

### ۱.۲.۳. جبران در قالب محصول (غیرنقد)

در بیشتر قراردادهای عملیات مشترک، طرف‌ها متعهدند سهم خود از تولیدات را به صورت محصول برداشت کنند. از این رو نمی‌توانند در مواقعی که قیمت تولیدات پایین است، سهم کمتری برداشت کنند تا هرگاه قیمت آن بیشتر شد، از طریق برداشت بیشتر، آن را جبران کنند. اگر یکی از طرف‌ها سهم خود از گاز را برداشت نکند، طرف‌های دیگر می‌توانند سهم او را برداشت کنند. در برداشت این سهم، طرفی که قبلاً کمتر برداشت کرده در اولویت خواهد بود.

1. Balancing in Kind  
2. Balancing in Cash

در این صورت اگر طرف‌هایی که قبلاً کمتر برداشت کرده‌اند، متعدد باشند، حق هر یک در برداشت سهم فوق، براساس درصد مشارکت آن‌ها در میدان خواهد بود.

در حال اگر یکی از طرف‌ها بیش از سهم خود برداشت کنند، طرف‌هایی که کمتر برداشت کرده‌اند می‌توانند بعداً از سهم او برداشت کنند. به محصولی که طرف دارای کسری در دوره‌های بعدی تولید، افزون بر سهم کامل خود برداشت می‌کند، گاز جبرانی<sup>۱</sup> گفته می‌شود. با توجه به این موضوع که برداشت‌ها به صورت دوره‌ای و در اغلب قراردادها به صورت دوره‌های ماهیانه انجام می‌شود<sup>۲</sup>، میزان کلیه برداشت‌های انجام‌شده به وسیله راهبر محاسبه و طی مهلت مقرر در قرارداد به صورت اعلامیه‌ای به تمامی طرفین ابلاغ می‌شود<sup>۳</sup>. این موضوع به منظور برنامه‌ریزی برای جبران کمبود میزان برداشت‌ها به طرفین کمک می‌کند. در این باره، طرف دارای کسری برداشت، می‌بایست درخواست برداشت را به راهبر اعلام کند. پس از اعلام، راهبر موضوع را به طرف‌هایی که مازاد برداشت داشته‌اند اعلام می‌کند. در این حالت، طرف دارای کسری می‌تواند اقدام به برداشت گاز جبرانی کند<sup>۴</sup>. طرف‌های مقابل موظف هستند مقادیر تعیین‌شده از سهم خود را در اختیار طرف دارای کسری قرار دهند. با وجود این، ممکن است محدودیت‌هایی برای طرف دارای کسری به منظور اعلام جبران کسری در قرارداد پیش‌بینی شود که از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به محدودیت زمانی و محدودیت کمی گاز جبرانی اشاره کرد. در محدودیت زمانی، طرف دارای کسری صرفاً در زمان‌های مشخصی می‌تواند اقدام به درخواست جبران کسری کند. درباره محدودیت کمی نیز، طرف دارای کسری در هر دوره زمانی نمی‌تواند بیش از مقدار خاصی که در قرارداد تعیین می‌شود برای جبران کسری خود درخواست کند.

از جمله مسائل مربوط به جبران به صورت محصول، این است که ممکن است میزان برداشت طرف برداشت‌کننده مازاد، به اندازه‌ای برسد که سهمیه وی به اتمام برسد. در این صورت، اگر راهبر تشخیص دهد که یکی از طرف‌ها، صددرصد سهمیه خود را برداشت کرده است، باید به وی اعلام کند که تا زمان ایجاد تعادل در سهمیه‌ها نمی‌تواند برداشت انجام دهد. به رغم تمام شدن سهمیه، این طرف باید هزینه‌های مربوط به عملیات را به حساب مشترک پرداخت کند.

1. Make-Up gas
2. American Association of Professional Landman, Exhibit E, (1992), Model Contract on Gas Balancing Agreement, part 5.1.
3. American Association of Professional Landman, Exhibit E, (1992), Op. cit, part 4.1.
4. Association of International Petroleum Negotiators, Exhibit G, (2014), Model Contract on Gas Balancing Agreement, part 6.3.

### ۳.۲.۲. جبران به صورت نقد

یکی دیگر از روش‌های جبران عدم تعادل در سهمیه‌ها، جبران آن به صورت نقدی است. برخلاف روش جبران غیرنقدی که صرفاً باید به صورت دوره‌ای انجام شود، روش جبران نقدی بنا بر خواست طرفین قرارداد، می‌تواند به صورت دوره‌ای و یا در زمان اُفت فشار چاه یا مخزن و توقف دائمی تولید، انجام شود. در صورت نگرانی درباره عدم تعادل‌های بلندمدت، طرفین از سازوکار تعدیل نقدی دوره‌ای استفاده می‌کنند (Blanks et al, 1992: 869). به‌کارگیری این روش از متضرر شدن طرفین جلوگیری می‌کند؛ زیرا در صورت به تعویق افتادن موضوع تا پایان قرارداد، ممکن است طرف دارای مازاد برداشت، توانایی مالی جبران مطالبات طرف مقابل را نداشته باشد. غالب قراردادهای جبران نقدی را پیش‌بینی می‌کنند.

برای استفاده از روش تعدیل نقدی در زمان اُفت فشار چاه و متوقف شدن تولید، در قرارداد مقرر می‌شود که راهبر موظف است افزون بر حسابرسی‌هایی که به صورت دوره‌ای در طول مدت قرارداد و پس از پایان هر دوره معین از تولید انجام داده است، در زمان خاتمه قرارداد به دلیل متوقف شدن دائمی تولید نیز، یک حسابرسی نهایی به‌منظور تعیین میزان برداشت‌های هرکدام از طرفین در تمام دوره‌های تولید و میزان کسری و مازاد تولید هرکدام از طرفین قرارداد، انجام دهد. نتایج این حسابرسی نهایی می‌بایست به هرکدام از طرفین ابلاغ شود تا آنها از وضعیت موجود آگاه شوند. در چنین حالتی، طرف دارای کسری تولید با ارسال ابلاغیه به طرفین دارای تولید مازاد و راهبر، می‌توانند خواستار استفاده از روش تعدیل نقدی گردند.<sup>۱</sup>

پرسش مهم این است که چه زمانی باید جبران انجام پذیرد؟ در نمونه قراردادهای تنظیمی راهکارهای مختلفی برای این موضوع پیش‌بینی شده است؛ برای مثال، در نمونه قرارداد انجمن آمریکایی متخصصان زمین، سه راهکار برای این موضوع پیش‌بینی شده است؛ در زمان توقف دائمی تولید (خالی شدن مخزن)، انحلال قرارداد عملیات مشترک یا انقضای مدت مشخص شده برای برداشت سهمیه (معمولاً دوازده ماه). یکی دیگر از مواقعی که عموماً برای تسویه نقدی عدم تعادل سهمیه‌ها ذکر می‌شود، هنگامی است که طرف دارای مازاد برداشت، قصد دارد حقوق خود را در قرارداد به غیر واگذار کند. در نمونه قرارداد انجمن، سه روش برای انجام جبران به صورت نقد پیشنهاد شده است؛ جبران نقدی داوطلبانه، گذشت یک مدت‌زمان مشخص (براساس سال)، انحلال قرارداد عملیات مشترک، پس از تولید درصد مشخصی از مخزن یا پس از برداشت درصد مشخصی از سهمیه کلی طرف.

1. American Association of Professional Landman, Exhibit E (1992), Op.cit, part 7.

درباره گزینه‌های بالا، اتمام تولید (خالی شدن مخزن) برای جبران به صورت محصول هم قابل تسری است و جبران می‌تواند از منطقه دیگری انجام شود. این مورد درجایی کاربرد دارد که قرارداد به‌طور کلی جبران به صورت نقدی را پیش‌بینی نکرده یا ممنوع کرده باشد. در موافقت‌نامه تعادل تسهیم باید نحوه محاسبه قیمت جبران نقدی و سازوکارهای پرداخت آن تعیین شود. سازوکار پرداخت می‌تواند پرداخت مستقیم از سوی طرفی که بیشتر برداشت کرده به طرفی که کمتر برداشت کرده باشد، یا این پرداخت با واسطه راهبر انجام شود.

#### ۴. جایگاه قراردادهای مدیریت هیدروکربن در قراردادهای جدید نفتی ایران

در قراردادهای جدید نفتی ایران، بازپرداخت هزینه‌های مستقیم<sup>۱</sup>، هزینه‌های غیرمستقیم<sup>۲</sup>، هزینه‌های بهره‌برداری<sup>۳</sup>، هزینه‌های تأمین مالی<sup>۴</sup> و همچنین دستمزد<sup>۵</sup> برای تولید هر بشکه نفت یا هر هزار فوت مکعب گاز از محل حداکثر پنجاه درصد از محصولات میدان ناشی از قرارداد، اعم از نفت خام، گاز طبیعی، میعانات گازی و دیگر محصولات و یا عواید آن بر پایه قیمت روز فروش محصول پس از رسیدن به تولید اولیه انجام می‌شود<sup>۶</sup>. بنابراین، کلیه پرداخت‌ها از محصولات یا عواید حاصل از تولیدات مخزن یا میدان موضوع قرارداد یا به صورت نقدی در سررسید به پیمانکار تحویل یا پرداخت می‌شود<sup>۷</sup>.

از اصولی که قراردادهای مذکور به موجب ماده ۳ شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز مصوب ۱۳۹۵ بر آن استوار است، «منوط کردن بازپرداخت کلیه هزینه‌های مستقیم، غیرمستقیم، هزینه‌های تأمین مالی و پرداخت دستمزد و هزینه‌های بهره‌برداری طبق قرارداد از طریق تخصیص بخشی از محصولات میدان و یا عواید حاصل از اجرای قرارداد بر پایه قیمت روز فروش محصول» بوده که تشخیص پرداخت به پیمانکار از طریق تحویل محصول میدان یا مخزن یا عواید آن به جای محصول (تا پایان بازپرداخت/پرداخت مطالبات پیمانکار) با شرکت ملی نفت ایران است. بنابراین نه تنها در شرایط عمومی، بلکه در قراردادهای منعقد شده نیز این اختیار برای شرکت ملی نفت پیش‌بینی شده است که بنا به اختیار و انتخاب این شرکت، امکان تخصیص محصول برای بازپرداخت هزینه‌ها و پرداخت دستمزد در نظر گرفته شود. این موضوع به گونه‌ای دیگر در تبصره ماده ۶

1. Direct Capital Cost (DCC)
2. Indirect Cost (IDC)
3. Operating Cost (OPEX)
4. Cost of Money (CoM)
5. Fee

۶. شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز، مصوب ۱۳۹۵/۰۵/۱۶، ماده ۶ (پ).

۷. شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز، مصوب ۱۳۹۵/۰۵/۱۶، ماده ۱۰ (پ).



شرایط عمومی نیز مورد اشاره قرار گرفته است. به موجب این تبصره، چنانچه بخشی از محصولات میدان‌های موضوع قرارداد که باید صرف بازپرداخت تعهدات یا پرداخت دستمزد به طرف دوم قرارداد شود، به تشخیص وزیر نفت برای مصرف در بازار داخل مورد نیاز باشد، شرکت ملی نفت ایران مجاز است نسبت به معاوضه (سوپ) آن‌ها اقدام کند.

بنابراین با توجه به اختیار شرکت ملی نفت ایران در بازپرداخت هزینه و دستمزد به صورت نقدی یا در قالب محصول، قراردادهای نفتی ایران سبب مملک نفت تولیدی به سرمایه‌گذار نبوده و صرفاً در صورت تخصیص نفت تولیدی بنا به تصمیم این شرکت، طبق شرط مندرج در قراردادهای نفتی و ضمیمه قرارداد خریدوفروش نفت و گاز تولیدی میدان اقدام خواهد شد. در این صورت مبالغ استحقاقی سرمایه‌گذار تحت قرارداد نفتی (قرارداد توسعه میدان) با مبالغ استحقاقی شرکت ملی نفت ایران تحت قرارداد خریدوفروش به عنوان فروشنده نفت یا گاز تولیدی تهاتر می‌شود تا از این طریق، بازپرداخت هزینه‌ها و دستمزد سرمایه‌گذار انجام شود.

نکته مهم در قراردادهای جدید نفتی ایران، این است که به منظور انتقال و ارتقای فناوری ملی در حوزه عملیات بالادستی نفت و اجرای طرح‌های بزرگ و توانمندسازی شرکت‌های ایرانی برای اجرای پروژه‌های بزرگ داخلی و نیز حضور در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی، زمینه مشارکت آن‌ها دیده شده است. از این رو، پیش‌بینی شده است که در هر قرارداد برحسب شرایط شرکت‌های صلاحیت‌دار ایرانی با تأیید کارفرما، به عنوان شریک شرکت یا شرکت‌های معتبر نفتی خارجی حضور داشته و با حضور در فرایند اجرای قرارداد، امکان انتقال و توسعه دانش فنی و مهارت‌های مدیریتی و مهندسی مخزن به آن‌ها فراهم گردد.

بنابراین با توجه به امکان تحقق مشارکت در سرمایه‌گذار به عنوان طرف قرارداد، موضوع موافقت‌نامه‌های عملیات مشترک نیز قابل طرح است تا حدود منافع مشارکتی، وظایف و تکالیف شرکت خارجی و شرکت ایرانی را مشخص کند. در بند «الف» ماده ۴ شرایط عمومی به صراحت تکلیف شده است که در هر قرارداد سیاست‌های اجرایی و اقدامات عملیاتی برای تحقق مفاد این بند باید به عنوان پیوست قرارداد آورده شود. از این رو قراردادهای جدید نفتی ایران دارای ضمیمه‌ای با عنوان اصول و رویه‌های موافقت‌نامه مشارکت است.

در قرارداد خریدوفروش نفت که بین شرکت ملی نفت ایران و سرمایه‌گذار به ترتیب به عنوان فروشنده و خریدار منعقد می‌شود، پیش‌بینی شده است که خریدار می‌تواند به عنوان دریافت‌کننده<sup>۱</sup> هیدروکربن تحویلی اقدام کند یا شخص یا اشخاص دیگری را برای این موضوع انتخاب کند. با توجه به توضیحات یادشده، امکان تحقق موضوع تسهیم نفت یا گاز

تحت قراردادهای خریدوفروش نفت وجود دارد؛ چنانچه خریدار (متشکل از اعضای مشارکت) تصمیم بگیرد که به عنوان برداشت‌کننده در قرارداد خریدوفروش عمل کند. اگرچه در اصول مندرج در ضمیمه قرارداد به تنظیم روابط در صورت پرداخت در قالب محصول پرداخته نشده است، با وجود این، طرفین مشارکت می‌بایست در قرارداد عملیات مشترک مقررهای لازم در این زمینه را تنظیم کنند. با توجه به وابستگی آن به قرارداد خریدوفروش به جای قرارداد توسعه میدان، در مقایسه با قراردادهای رایج در دنیا دربارهٔ تسهیم هیدروکربن تولیدی که تحت قرارداد اصلی مطرح می‌شود، پیچیدگی‌های کمتری دارد. همچنین راهبر عملیات مشترک می‌تواند از سوی مشارکت تحت قرارداد خرید اقدام کرده و تسهیم مبالغ دریافتی و نقد بین اعضای مشارکت انجام شود.

### نتیجه

چنانچه سازوکارهای قراردادی بالادستی حوزه نفت و گاز مملک هیدروکربن تولیدی به سرمایه‌گذاران باشد، اعضای مشارکت سرمایه‌گذاری می‌بایست ضمن تعیین ریسک‌ها، مسئولیت‌های تحت موافقت‌نامه عملیات مشترک دربارهٔ نفتی که به صورت جمعی به آن‌ها تخصیص می‌یابد، تعیین تکلیف نموده و حق برداشت، تحویل‌گیری و فروش آن را روشن کنند. از این رو لازم است قراردادهای برداشت دربارهٔ نفت خام و تعادل تسهیم گاز درخصوص گاز برای تنظیم روابط طرفین و به عنوان تکمیل‌کننده اسناد قرارداد در نظر گرفته شده و مورد توافق قرار گیرد. در مواردی که به دلایل قانونی، امکان برداشت از میدان وجود ندارد یا به‌رغم وجود این امکان، حمل هیدروکربن برای تمامی شرکا ممکن نیست، انعقاد قرارداد فاقد موضوعیت است. در تنظیم این قراردادها باید نقطه تخصیص سهم اختصاصی، نحوه و زمان تحقق حقوق مشارکتی دولت، امکان نگهداری محصول توسط راهبر برای عملیات، میزان محصول قابل تخصیص مشخص شود.

با توجه به تبعیت میزان استحقاق از میزان سهم هر یک، باید قرارداد برداشت در انطباق کامل با سایر قراردادها، از جمله قرارداد اصلی و قرارداد عملیات مشترک باشد. زمان، مکان و نقطه تخصیص برای انتقال ریسک و مالکیت دارای اهمیت است. با توجه به تأثیر برداشت بر تولیدات، این امر افزون بر این که حق اعضاست، برای طرفین، تعهد نیز به‌شمار می‌رود. شروط متناظر برداشت کمتر یا بیشتر، باید به گونه‌ای تنظیم شود که زمینه جبران آن فراهم شده و منافع اعضای مشارکت را متأثر نسازد. از این رو شروط مربوط به برداشت کمتر یا بیشتر باید به گونه‌ای باشد که طرف برداشت‌کننده نتواند از آن برای حفاظت خود در مقابل قیمت بالا یا پایین نفت استفاده کند. دربارهٔ گاز نیز امکان بروز عدم تعادل وجود داشته که جبران آن از

طریق برداشت بیشتر (در قالب محصول) یا جبران نقدی یا سازوکاری مرکب از این دو روش انجام می‌شود. قراردادهای جدید نفتی ایران نیز با توجه به اختیار شرکت ملی نفت ایران در بازپرداخت هزینه و دستمزد به صورت نقدی یا در قالب محصول، سبب مملکت نفت تولیدی به سرمایه‌گذار نبوده و صرفاً در صورت تخصیص نفت تولیدی، بنا به تصمیم این شرکت، طبق شرط مندرج در قراردادهای نفتی و ضمیمه قرارداد خریدوفروش نفت و گاز تولیدی میدان اقدام خواهد شد. در این صورت مبالغ استحقاقی سرمایه‌گذار تحت قرارداد نفتی با مبالغ استحقاقی شرکت ملی نفت ایران تحت قرارداد خریدوفروش به عنوان فروشنده نفت یا گاز تولیدی تهاتر می‌شود تا از این طریق بازپرداخت هزینه‌ها و دستمزد سرمایه‌گذار انجام شود. در این حالت، با توجه به وابستگی قرارداد برداشت به قرارداد خریدوفروش به جای قرارداد توسعه میدان، در مقایسه با قراردادهای رایج در دنیا درباره تسهیم هیدروکربن تولیدی که تحت قرارداد اصلی مطرح می‌شود، از پیچیدگی‌های کمتری برخوردار است. با وجود این، طرفین مشارکت می‌بایست در قرارداد عملیات مشترک، مقرره‌های لازم در این زمینه را تنظیم کنند.

## منابع

### الف) فارسی

۱. شیروی، عبدالحسین (۱۳۷۸). «نقش قراردادهای استاندارد (نمونه) در تجارت بین‌المللی و مقایسه آن با قراردادهای الحاقی داخلی». *مجله مجتمعات آموزش عالی قم*، سال اول، شماره ۲، ص ۷۶-۶۱. در: <http://ensani.ir/file/download/article/20120329153321-5066-10.pdf> (۲۰ فروردین ۱۴۰۰).
۲. شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز، مصوب ۱۳۹۵/۰۵/۱۶.

### ب) خارجی

3. American Association of Professional Landman, Exhibit E (1992). Model Contract on Gas Balancing Agreement.
4. Association of International Petroleum Negotiators, Exhibit G (2014). Model Contract on Gas Balancing Agreement.
5. Blanks, Edel F; McGuire, Robin D; Poitevent, Edward B (1992). "A Primer on Gas Balancing Agreement". *Loyola Law Review*, Volume 37, Number 4, p831-838. At: <https://www.ebv.com.ar/images/publicaciones/radehm9complimentary.pdf> (Access 20 June 2021).
6. Carvell, Robin (2016). *Joint Operating Agreements*, in Peter Roberts, Oil and Gas Contracts, Principles and Practice, Sweet & Maxwell.
7. Jennings Anthony (2008). *Oil and Gas Production Contracts*. Sweet & Maxwell, Thomson Reuters.
8. Jennings Anthony (2004). *Oil and Gas Exploration Contracts*. Sweet & Maxwell, Thomson Reuters.
9. Martin A Timothy (2004). "Model Contracts: a Survey of the Global Petroleum Industry". *Journal of Energy and Natural Resources Law*, Volume 22, p281-340. At: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/02646811.2004.11433373> (Access 20 June 2021).
10. Roberts, Peter (2013). *Petroleum Contracts: English Law and Practice*, Oxford University Press.

11. Roberts, Peter (2019). *A Dictionary of Oil and Gas Industry Terms*, Oxford University Press.
12. Schaible Brian (2004). *AIPN and PESA Develop Model International Service Contracts*, The American Oil & Gas Reporter.
13. Sweeney, David H (2016). *Oil and Gas Joint Operating Agreements: A Comparative World-wide Analysis*. LexisNexis.
14. Williams, Howard R; Charles J. Meyers (2018). *Manual of Oil and Gas Terms: Annotated Manual of Legal, Engineering and Tax Words and Phrase*.





## Analysis of Produced Hydrocarbon Contracts

**Farideh Shabani Jahromi\***

*Assistant Professor Energy and International Trade law Department, Law  
Faculty, College of Farabi, University of Tehran*

**Fareed Shabani Jahromi**

*PhD Student in Oil and Gas Law, Law Faculty; College of Farabi  
University of Tehran*

### Abstract

Investors under concession regimes and some main upstream petroleum contracts including production sharing agreements, are entitled to produce hydrocarbons from fields which are subject of petroleum operation. With regard to the high amount of investment required for exploration and development of petroleum fields, investors consisting of more than one person, who carry out operations which result in contract between group of companies and the host country and also joint operating agreements among the members of investors which increase the operational complexity and legal issues. Regarding shares of each member and entitlement to produced hydrocarbon, the required provisions and petroleum management contracts shall be agreed upon to allocate and balance the produced petroleum. Although Iran Petroleum Contracts do not transfer the title of hydrocarbon to investor, NIOC may at its discretion, recover costs and pay fee in kind and under particular arrangement which require agreeing upon allocation and balancing mechanism.

**Keywords:** Joint Operating Agreement, Oil Allocation, Gas balancing, Hydrocarbon Management



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.

